

# جامعه مدنی و روزنامه‌نگاری آرمانی؛ چالش‌ها و چشم‌اندازهای عمومی و ملی

دکتر هادی خانیکی

مقاله حاضر می‌کوشد با نگاهی به مفهوم اجتماعی «جامعه مدنی» نسبت میان مهم‌ترین اجزا و آثار آن را با مقوله مطبوعات و روند تحولات روزنامه‌نگاری در سپهر عمومی و ملی مورد اشاره قرار دهد. از این‌رو با گذری به عمده‌ترین مقوله‌ها و مبانی جامعه مدنی و بنیادهای فلسفی و حقوقی آزادی عقیده و بیان به وجوه بارز در فرایند دگرگونی‌های تاریخی مطبوعات و عوامل و نهادهای مؤثر اجتماعی، اقتصادی و حرفه‌ای در این فرایند می‌پردازد. بر پایه چالش‌ها و چشم‌اندازهای تاریخی و جهانی، این مقاله نگاهی به لوازم و مقتضیات رشد و توسعه روزنامه‌نگاری مطلوب در ایران و پیوند آن با مقوله جامعه مدنی دارد.

امتیاز جامعه انسانی بر جامعه طبیعی مورد تأکید قرار می‌دهند.

«جامعه مدنی محصول تمایزگذاری بین وضع اجتماعی است، وضع اجتماعی را می‌توان نقد کرد و تغییر داد» به «وضع اجتماعی» از هر زاویه‌ای که نگریسته شود در برگیرنده شرایط متغیر است از این‌رو باید ضرورت بحث جامعه مدنی را علی‌رغم دیرپایی مضمون آن، برخاسته از تحولات و تلاش‌های اجتماعی دوران جدید دانست. در این فرایند، جامعه مدنی به دو تلقی و دو کارکرد متفاوت معطوف می‌شود. در تلقی نخست جامعه مدنی پاسخگوی تکوین «حوزه آزادی و برابری» و «گستره گفت‌وگری آزاد» است، به نحوی

است. در این دیدگاه وضع جوامع شرقی در قیاس با جوامع غربی به گونه‌ای سلبی توصیف می‌شود به طوری که جوامع شرقی براساس «عدم تشابه» یا سرمشق‌های دوران صنعتی و مدرن و «فقدان» نهادهایی نظیر جامعه مدنی، اصناف مستقل، منشور شهری، بوروکراسی و دولت مدرن (همان‌طور که در غرب شکل گرفته است) مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

ادوارد سعید که در نقد دیدگاه‌های شرق‌شناسانه گام‌های بلندی برداشته است، برای خروج از دایره جزمیت توصیه می‌کند: «قالب‌های ذهنی و مقولات تقلیل‌پذیری را که محدودکننده تفکر در

■ **جامعه مدنی به منزله مقوله‌ای اجتماعی که توانایی جذب و هضم برداشت‌ها و مقتضیات مختلف را دارد، طی سال‌های اخیر محور گفت‌وگوهای گوناگون علمی و عمومی بوده است.**

■ **فصل مشترک همه مباحث، اتفاق نظر در ضرورت شناخت «جامعه» و چگونگی تأسیس و بقای آن در روند دگرگونی‌های عظیم اجتماعی است.**

■ **جامعه مدنی عرصه پیوند مجدد گروه‌هایی است که به علت شیوه‌های گوناگون معیشت و تولید و تحولات بنیادین اجتماعی، فرهنگی و سیاسی با یکدیگر بیگانه شده‌اند.**

۱. جامعه مدنی، برداشت‌ها و کارکردها «جامعه مدنی» به منزله مقوله‌ای اجتماعی که توانایی جذب و هضم برداشت‌ها و مقتضیات مختلف را دارد، طی سال‌های اخیر به ویژه از زمان برگزاری هفتمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری ایران و استقرار دولت جدید، محور گفت‌وگوهای گوناگون علمی و عمومی بوده است. فصل مشترک همه مباحث، اتفاق نظر در ضرورت شناخت «جامعه» و چگونگی تأسیس و بقای آن در روند دگرگونی‌های عظیم اجتماعی است. «جامعه مدنی» عرصه پیوند مجدد گروه‌هایی است که به علت شیوه‌های گوناگون معیشت و تولید و تحولات بنیادین اجتماعی، فرهنگی و سیاسی با یکدیگر بیگانه شده‌اند. جامعه مدنی «جامعه غربی‌هایی است که مجبورند با یکدیگر روابط متقابل رسمی و صوری برقرار کنند.»<sup>۱</sup> لذا قرارداد، جای نظام‌های پیچیده و مفصل امتیازات، حقوق و وظایف مرتبط با سلسله مراتب گروه‌ها و طبقات اجتماعی را می‌گیرد. شاید به همین دلیل باشد که نخستین اظهارنظرها درباره جامعه مدنی «قرارداد» را به عنوان

که در جوامع نو مورد تقاضا و مطالبه مردم است. در تلقی دوم جامعه مدنی به عنوان وسیله‌ای برای سامان‌دهی مباحث اندیشه‌ورزانه درباره جامعه و عوامل دگرگون‌کننده و نظم‌دهنده آن مطرح می‌شود.

دیدگاه نخست می‌تواند نسبت به آنچه در جوامع اروپایی اتفاق افتاده است مضمونی غیرانتقادی داشته باشد. به عبارت دیگر این دیدگاه در صورت کم‌توجهی به واقعیات پیچیده و متنوع اجتماعی و غفلت از ویژگی‌ها و عوامل اساسی تغییر و دگرگونی جوامع، گرفتار جزمیتی می‌شود که اساس آن در دیدگاه‌های شرق‌شناسانه تجلی یافته

ارتباط‌های بشری‌اند» باید شکست.<sup>۲</sup> به نظر او باید در برابر رشته‌ای از انتخاب‌های واقعی قرار گرفت و با گریز از شبکه بیش از حد قدرتمند آمریت‌های اجتماعی نظیر رسانه‌ها، حکومت‌ها و شرکت‌ها امکان نایل شدن به هر تعبیری را فراهم کرد.<sup>۳</sup> با این نگاه به جای محدود ماندن در صورت ظاهر جامعه مدنی به عنوان نسخه جادویی درمان عقب‌ماندگی‌ها، باید روح و ویژگی‌های نهادها، سنت‌ها و حیات مادی جامعه را دریافت.

در تلقی دوم از جامعه مدنی که بر مدار بحث و گفت‌وگوی جمعی درباره علایق، منافع و مصالح جمعی و تصمیم‌گیری‌های عمومی می‌چرخد،

وجود «گستره همگانی» برای اندیشیدن نقادانه دربارهٔ اساسی‌ترین پرسش‌ها و رویکردهای اجتماعی ضروری است. براین اساس، پیدایش و رشد مباحثه‌های برابرانه و فارغ از حاکمیت و اجبار در قالب علایق و گرایش‌های متشکل، هویت‌های جمعی مبتلور و متنوع، مقررات و سازوکارهای قوام‌بخش اجتماعی، وجه مطلوب جامعهٔ مدنی است. به هر روی مقوله جامعه مدنی و چگونگی استقرار آن همواره نقطهٔ تلاقی دیدگاه‌های متفاوت در ادبیات فارسی بوده و هست. هم نظریه‌پردازان لیبرال کلاسیک به دلیل گسترش فزاینده نقش دولت در امور اقتصادی و نقد «دولت رفاهی» معتقد

دربیرگیرنده آن دسته از روابط اجتماعی است که به وسیله دولت تنظیم نمی‌شود و روشن است که این مفهوم با تعریفی که دولت را دستگاه کنترل و انحصار قدرت در درون یک نظام اجتماعی متشکل می‌داند، پیوند و نسبت نزدیک پیدا می‌کند.<sup>۵</sup>

جامعه مدنی یا قلمرو غیردولتی در روند تاریخی شکل‌گیری معنایی در غرب غالباً سه مفهوم را در برمی‌گیرد:

**الف: مرحله ماقبل دولت (Pre- State):** به معنای تأخر دولت نسبت به تجمع‌های انسانی تأمین‌کننده همبستگی‌های مختلف است. در این مفهوم دولت براین

■ **تمایز میان دولت و جامعه مدنی، عمدتاً با توسعه روابط اقتصادی در جامعه و گسترش قلمرو دستگاه‌های قدرت عمومی یعنی دولت، از قرن هفدهم میلادی به بعد مورد تأکید قرار گرفته است.**

■ **از آنجا که میان توسعه مطبوعات و مطبوعات توسعه یافته با نحوه استقرار جامعه مدنی نسبتی مستقیم وجود دارد، لذا می‌توان تصویر مطلوب مطبوعات را در شرایطی جست‌وجو کرد که جامعه مدنی از قدرت و صلابت شایسته‌ای برخوردار باشد.**

■ **جامعه مدنی عملاً مبنا و میدان تکاپوهای مطبوعاتی است و غیبت یا ضعف نهادهای مدنی به انتقال مستقیم بار آن به عرصهٔ مطبوعات منجر می‌شود.**

هستند که دخالت دولت، ناقض آزادی‌های اقتصادی و سیاسی و از عوامل اساسی محدودیت امکان انتخاب آزاد شهروندان است و هم بسیاری از نظریه‌پردازان چپ، گسترش قلمرو فعالیت‌های دولت سرمایه‌داری را به معنای محدود کردن جنبش‌ها و فعالیت گروه‌های اقلیت، اتحادیه‌ها و سندیکاها و افزایش سلطهٔ دولت سرمایه‌داری به نیابت از طبقه سرمایه‌دار می‌دانند. تمایز میان دولت و جامعه مدنی عمدتاً با توسعه روابط اقتصادی در جامعه و گسترش قلمرو دستگاه‌های قدرت عمومی یعنی دولت، از قرن هفدهم میلادی به بعد مورد تأکید قرار گرفته است. در حقیقت جامعه مدنی

مجموعه‌ها تحمیل شده و روابط آنها را به گونه‌ای سامان داده است، اما این دخالت مانع استمرار حیات آنها نبوده است. جامعه مدنی در قیاس با دولت در این تلقی نقش زیربنایی تری دارد.

**ب: مرحله مقابل دولت (Anti- State):** در این مفهوم جامعه مدنی حوزه ظهور و بروز قدرت اجتماعی تعدیل‌کننده و عرصهٔ تکوین گروه‌های اجتماعی برای مقابله با سلطهٔ قدرت سیاسی و نهایتاً شکل دادن به قدرت همسنگ در برابر دولت و نهادهای دولتی است.

**ج: مرحله پس از دولت (Post - State):** در این تلقی جامعه مدنی متضمن مفهومی آرمانی در وضعیتی فاقد سلطه

است که با از میان رفتن دولت به وجود می‌آید.<sup>۶</sup>

در تطبیق این مفاهیم با وضعیت خاص ایران می‌توان نتیجه گرفت که جامعه مدنی در حوزه ماقبل دولت، با تعاریف جدید و مقابل دولت - به معنای عامل کنترل دولت - روند تحول خاصی را پیموده است. عرصه‌ها و عوامل مؤثری در ساختار اجتماعی قدرت وجود داشته است که هم منشأ تکاپوهای گوناگون جامعه بوده و هم به نوعی در تعدیل و مهار قدرت خودکامه ایفای نقش کرده‌اند. در ساختار سنتی جامعهٔ ایرانی، نهادها و عرصه‌هایی نظیر شبکه روحانیت، اصناف، دوره‌ها، گروه‌های فتوت و اخوت، عیاران، زورخانه‌ها و امثال آنها حوزه‌هایی خارج از قلمرو دولت را در برمی‌گرفتند و مظاهر خاصی از جامعه مدنی را در برابر دولت خودکامه به نمایش می‌گذاشتند این نهادهای سنتی در روند نوسازی آمرانهٔ دوران پهلوی یا سرکوب شدند و یا صورت‌هایی نمایشی و دور از محتوای پیشین به خود گرفتند. نهادهای جدید مدنی نظیر احزاب، سندیکاها، انجمن‌ها و گروه‌های خود انگیخته و مستقل نیز عرصه و زمینهٔ بروز و ظهور نیافتند، در نتیجه قلمرو جامعه مدنی در دوران معاصر همواره گستره‌ای ضعیف و آسیب‌پذیر بوده است.

از آنجا که میان توسعه مطبوعات و مطبوعات توسعه یافته با نحوه استقرار جامعه مدنی نسبتی مستقیم وجود دارد، لذا می‌توان تصویر مطلوب مطبوعات را در شرایطی جست‌وجو کرد که جامعه مدنی از قدرت و صلابت شایسته‌ای برخوردار باشد. جامعه مدنی عملاً مبنا و میدان تکاپوهای مطبوعاتی است و غیبت یا ضعف نهادهای مدنی به انتقال مستقیم بار آن به عرصهٔ مطبوعات منجر می‌شود. این تجربه‌ای است که هم در مسیر تحول اجتماعی غرب و هم در جهان در حال توسعه و ایران به روشنی قابل مشاهده است.

## ۲. تحولات تاریخی روزنامه‌نگاری؛ واقعیت‌ها و بازتاب‌ها

در بررسی روند تحول مطبوعات در غرب، از زمان انتشار نخستین نشریات اروپایی در آغاز قرن هفدهم میلادی تا دهه چهارم قرن نوزدهم که اولین مطبوعات کشورهای مصر، ترکیه و ایران منتشر شدند، دو مرحله مشخص قابل مشاهده است. در مرحله اول مطبوعات دولتی، رسمی و استبدادی همراه با «سانسور» و کنترل، به عنوان زبان تبلیغاتی حکومت‌های خودکامه پدید آمدند، اما با شکل‌گیری انقلاب‌های دموکراتیک غربی مرحله دوم یا عصر مطبوعات مسلکی و سیاسی و انقلابی به عنوان زبان مردم آغاز شد. با توجه به نقش مهم و مثبت مطبوعات در مبارزه علیه استبداد در این دوره، نشریات از عوامل عمده تحکیم دموکراسی به شمار می‌آمدند و افراد و گروه‌های گوناگون با شوق فراوان، برای رسیدن به آرمان‌های عقیدتی و سیاسی خویش، مطبوعات متنوعی را به دست نشر می‌سپردند. به‌طور مشخص از دهه چهارم قرن نوزدهم به بعد اداره انحصاری مؤسسه‌های مطبوعاتی در اختیار سرمایه‌داران قرار گرفت و دوران شکوفایی مطبوعات عقیدتی و سیاسی که در مقام رکن چهارم دموکراسی ایفای وظیفه می‌کردند به تدریج به پایان رسید. از این مرحله به بعد اگر چه جاذبه‌های اجتماعی مطبوعات به جا ماند، اما قدرت سرمایه و تجارت که جایگزین آزادی‌گرایی و مردم‌گرایی مطرح در مطبوعات عصر انقلاب‌های دموکراتیک شده بود، نشانه آغاز عصر مطبوعات تجاری - خیری بود. شکل‌گیری روزنامه‌نگاری تقلیدی در مشرق زمین با فاصله‌ای حدوداً ۲۰۰ ساله با سوءبرداشت‌هایی همراه بوده است. در حقیقت از زمانی که در این جوامع مطبوعات جدید به خواست نظام‌های استبدادی و استعمار خارجی پدید آمدند، عمدتاً انتشار روزنامه به سبک غربی بیش از ارتباطات واقعی اجتماعی مورد

توجه قرار گرفت.<sup>۲</sup> به این ترتیب در سایه «تجددمآبی»، دگرگونی ماهیت مطبوعات در غرب مورد غفلت قرار گرفت و همزمان با ورود مطبوعات غربی به دوره تجارتي و مخفی ماندن ماهیت سودجویانه آنها در ورای نقش‌های مثبت مطبوعات عقیدتی و انقلابی، عصر مطبوعات استبدادی - آن هم با دیرپایی و ماندگاری - در این سامان شکل گرفت. پس‌افتادگی تاریخی، تداخل‌ها و گسست‌های اجتماعی و سوءبرداشت‌های فرهنگی نهایتاً مطبوعات را در کشور ما به معایب و عوارض منفی دو دوره روزنامه‌نگاری استبدادی و تجاری به صورت توأم گرفتار کرده است بدون آنکه توانسته باشد از تجربه موفق تأمل و توقف در دوره مطبوعات آزاد و انقلابی در طول تاریخ

وجود مطبوعات مخالف نظام سوسیالیستی را به منزله زوال و نابودی انقلاب می‌دانست، از این رو در نظام‌های سوسیالیستی - چه به لحاظ تاریخی و چه به لحاظ آرمانی - اساساً روزنامه‌نگاری مطلوب تنها به معنای کارگزاری تبلیغ و سازمان‌دهی دولتی بوده است. در حقیقت نظام مطلوب روزنامه‌نگاری سوسیالیستی را هم می‌توان صرف‌نظر از ادعاهای نظری، بر جامعه‌ای توده‌وار مبتنی دانست که در آن نهادهای مستقل مدنی فاقد هرگونه عینیت اجتماعی هستند.

۳. مبانی فلسفی و حقوقی آزادی‌های اجتماعی؛ زمینه‌ساز روزنامه‌نگاری مطلوب  
وجود نسبت میان روزنامه‌نگاری و

## ■ به‌طور مشخص از دهه چهارم قرن نوزدهم به بعد اداره انحصاری مؤسسه‌های مطبوعاتی در اختیار سرمایه‌داران قرار گرفت و دوران شکوفایی مطبوعات عقیدتی و سیاسی که در مقام رکن چهارم دموکراسی ایفای وظیفه می‌کردند به تدریج به پایان رسید.

رشد خود بهره شایسته ببرد. در حقیقت روزنامه‌نگاری در کشور ما تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، مرحله دوم یعنی دوره مطبوعات آزاد را به صورت ناقص و گسسته پیموده است.

از سوی دیگر وضع مطلوب روزنامه‌نگاری در نظام سوسیالیستی متأثر از نوع نگاهی بوده است که در اندیشه‌های سوسیالیستی نسبت به مقوله مردم‌سالاری وجود دارد. آزادی به عنوان جوهره اصلی دموکراسی به معنای تحقق مشارکت جمعی در زندگی است. بنابراین مطبوعات باید بتوانند در خدمت این آرمان اجتماعی باشند و از آنجا که دستیابی به برابری، مقدم بر اندیشه‌های آزادی‌گسرایانه است، لذا مطبوعات و رسانه‌های جمعی باید بتوانند در خدمت تهییج، تبلیغ و بسیج توده‌ها باشند. لنین

مقوله‌های عمده‌ای که از آثار و نتایج جامعه مدنی بر شمرده می‌شوند، انکارناپذیر است. روزنامه‌نگاری با آزادی عقیده، بیان و قلم و عقلانیت، قانون، سازه‌ها و نهادهای حافظ آنها پیوندی ناگسستنی دارد. اساسی‌ترین حلقه‌های ارتباط میان جامعه مدنی و مطبوعات نیز در همین جا آشکار می‌شود. در «وضع اجتماعی» که محصول دوران جدید است چگونه می‌توان بنیادهای «وضع طبیعی» را تعریف کرد و در گسترش آنها کوشید؟ طبیعتاً یافتن پاسخ سؤال‌هایی از این دست راه را بر گزینش چگونگی کار مطبوعات می‌گشاید.

جان لاک فیلسوف بزرگ انگلیسی (۱۶۳۳-۱۷۰۴) از جمله متفکرانی است که با اهتمام خاص به «وضع طبیعی» اندیشه‌های ارزنده‌ای را در باب این مبانی

ارائه کرده است. به نظر او «وضع طبیعی نظامی است اخلاقی بر مبنای آزادی فرد، اما این نظام و این آزادی، برخاسته از هوس‌ها و تمایلات آدمیان نیست بلکه امری است معقول و عقل آدمی به روشنی قادر به دریافت آن است.» به نظر لاک «حقوق و قوانین دارای ریشه طبیعی هستند، حق مساوی با آزادی است و قانون همراه با الزام<sup>۸</sup> اما آن آزادی و این الزام هر دو طبیعی هستند و از میان حقوق طبیعی، حق دارایی که علاوه بر «مال» شامل «جان» و «آزادی» نیز می‌شود، اهمیت بیشتری دارد. در وضع طبیعی لاک مزایایی نظیر «مساوات» و «آزادی» مورد توجه هستند اما بدون وجود نظم و انتظام در معرض خطر قرار می‌گیرند. احساس

گمان لاک این قدرت باید فقط در جهت حفظ و تأمین منافع انسان‌ها در زندگی دنیوی به کار گرفته شود.

لاک «تجربه باور» و «فایده‌انگار» است، از این‌رو گستره عقل را کاوش در طبیعت و درک آن می‌داند و سیاست و حکومت را متکی به رضایت و اراده مردم و محکوم به حکم نهایی آنان که در خور سنجش با اصل فایده‌مندی است تعریف می‌کند. تحقق این امور وقتی میسر و با روح در برابر عقاید و آیین‌های دیگر هم جزیی سازگار با شریعت حضرت مسیح است و هم داوری عقل خاص بشری آن را تأیید می‌کند.

البته نباید پیوند میان گرایش به وجود «آزادی اندیشه» و «آزادی در کسب ثروت»

■ آزادی به عنوان جوهره اصلی دموکراسی به معنای تحقق مشارکت جمعی در زندگی است.

■ لنین وجود مطبوعات مخالف نظام سوسیالیستی را به منزله زوال و نابودی انقلاب می‌دانست، از این‌رو در نظام‌های سوسیالیستی - چه به لحاظ تاریخی و چه به لحاظ آرمانی - اساساً روزنامه‌نگاری مطلوب تنها به معنای کارگزاری تبلیغ و سازمان‌دهی دولتی بوده است.

■ روزنامه‌نگاری با آزادی عقیده، بیان و قلم و عقلانیت، قانون، سازه‌ها و نهادهای حافظ آنها پیوندی ناگسستنی دارد.

این خطر محسوس و معقول، افراد را به سوی تشکیل جامعه سوق می‌دهد. پس جامعه مدنی غایتی معقول دارد که عبارت است از حفظ دارایی یعنی مال و جان و آزادی کسان<sup>۹</sup> برای اساس وظیفه‌هایی که حکومت به خاطر آن تأسیس می‌شود مشروط به رعایت «آزادی» و ایمن کردن «مال» و «جان» شهروندان خواهد بود.

به نظر لاک «انسان‌ها باید خود بیندیشند و در باب اعتقاداتشان تصمیم بگیرند. از این رو هیچ‌کس نمی‌تواند و حق ندارد ادعا کند که مسؤولیت عقیدتی دیگران به عهده اوست.»<sup>۱۰</sup> توسل به چنین امری از سوی فرمانروایان سیاسی و یا دولت‌ها به عقیده لاک علاوه بر بیهودگی، نوعی سوءاستفاده از قدرت نیز هست. به

را نادیده گرفت. طبعاً گرایش به لزوم تغییر بنیادین در جامعه و ایجاد نظمی نو و از میان رفتن امتیازها و اعتبارهای متناسب با وضع کهن جامعه، زمینه‌ساز جدی گرایش به آزادی است، آزادی در شیوه دستیابی به ثروت و به کارگیری آن و آزادی فکر و فراهم آوردن فضای امن برای تفکر و بیان که هر دو نیز مستلزم پذیرفتن اصل تسامح در زمینه امور اعتقادی و اخلاقی و اجتماعی است.<sup>۱۱</sup>

برهمن اساس است که طبقه متوسط جدید به اتکای اقتدار مادی و امیدی که به آینده دارد معمولاً بستر مناسبی برای ماندگاری و میدان داری اندیشه‌هایی می‌شود که در صدد توجیه منزلت و منفعت این طبقه باشد یا به نحوی با آن

سازگاری داشته باشد. به گفته لاسکی «در اروپا طبقه متوسط خواست خود را که همان آزادی‌های مدنی باشد از ولتر الهام گرفت و همان‌طور که آثار وی را تأیید می‌کند، علایق صادقانه مذهب را به آن افزود، اما مذهب را در قلمرو خود محدود نگاه داشت»<sup>۱۲</sup>. حتی پذیرش شش جلد دائرةالمعارف فرانسه از سوی بازرگانان در قرن هیجدهم، ناشی از وجود وجوه مشترک فراوانی بود که از نظر هدف میان پیشرفت علم و منطق با پیشرفت رفاه جامعه وجود داشت.<sup>۱۳</sup>

ژان ژاک روسو (۱۷۷۸-۱۷۱۲) متفکر برجسته فرانسوی، با طرح اندیشه‌های مساوات‌طلبانه، مبنای جدیدی را در حوزه اندیشه مطرح می‌کند. او معتقد است که منشأ جامعه مدنی و عدم تساوی اجتماعی ناشی از آن را باید در مالکیت خصوصی یافت.<sup>۱۴</sup> اگر چه این گونه اندیشه‌ها با روند تفکر غالب آن دوران اروپا چندین سازگار نیست ولی طرح «قرارداد اجتماعی» به عنوان مبنای نظم جامعه و «اراده عمومی» از نظر پایه فلسفی به این معناست که هر یک از ما شخص خود و تمام توانایی خود را تحت فرمان اراده عمومی به مشارکت می‌گذاریم و هر عضو شرکت را به عنوان جزء لاینفک کل در مجمع خود می‌پذیریم.<sup>۱۵</sup>

اراده عمومی موردنظر روسو امری واقعی و معطوف به نفع مشترک و یکسان اراده‌های فردی است، او خواهان آزادی و مساوات است، اما در عین حال بیشتر بر دموکراسی مستقیم نظیر آنچه در دولت - شهرهای یونان قدیم جریان داشته است، تأکید می‌کند.

جان استوارت میل (۱۸۷۳-۱۸۰۶) متفکر نامدار انگلیسی با طرح «حکومت انتخابی» یا دموکراسی غیرمستقیم به مباحث مطرح شده در زمینه دموکراسی چهره‌ای تازه می‌دهد. او برای تحقق دموکراسی که بر پذیرش اصل نافذ بودن رأی اکثریت استوار است، قبول رأی اکثریت را فقط شرط لازم (و نه شرط

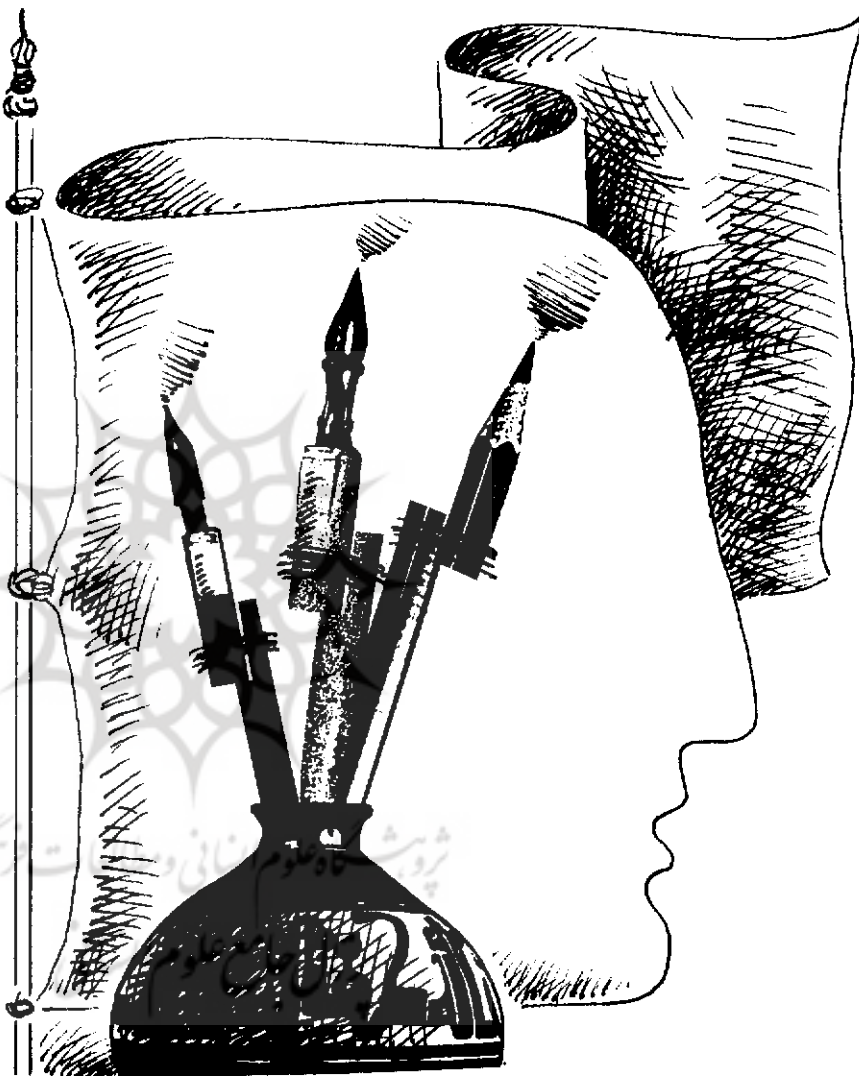
کافی) می‌داند.<sup>۱۶</sup>

از نظر میل اگر چه انشعاب عقیده از جمله امیال فطری بشر است و آن را حتی در آزادی نامحدود نیز نمی‌توان مهار کرد اما می‌توان به سازوکارهای اجتماعی در مهار آن اندیشید. به اعتقاد او زیان بزرگی که فکر بشر را تهدید می‌کند ناشی از اصطکاک بین دوپاره حقیقت نیست بلکه

عقیده همه یا بخشی از حقیقت را در برداشته باشد و چه فاقد آن باشد.<sup>۱۷</sup> «میل» با همین اعتقاد، آزادی مطبوعات را از ارکان دموکراسی برمی‌شمارد. اگرچه نمی‌توان حتی نقاط اساسی توجه به مفهوم دموکراسی و حقوق جدید فردی و اجتماعی از جمله آزادی عقیده و بیان و مطبوعات را به

مخاطرات گسترش شبکه‌های قدرت مداخله‌گر در جامعه و تأثیرات آشکار و پنهان شرایط سیاسی و اقتصادی و اجتماعی بر چگونگی شکوفایی استعدادها و تحقق آرزوها و علایق مردم است. جامعه مدنی تأمین‌کننده محیطی است که در آن مناسبات آزاد و برابر در میان افراد، قابلیت پاسخ‌گویی به این دغدغه‌های مشترک را افزایش می‌دهد. ایجاد مهم‌ترین شرایط ممکن برای تکامل فردی و تجلی صفات انسانی، ممانعت از کاربرد خودسرانه قدرت سیاسی، دخالت شهروندان در سرنوشت خویش و گسترش فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی برای به حداکثر رسانیدن منابع موجود از جمله نتایج بلافصل افزایش دامنه و عمق دموکراسی‌های قانونی و مشارکتی است. در این فرایند نهایتاً نوعی «خودمختاری» و «استقلال» شهروندان حاصل می‌شود و افراد جامعه در زندگی خصوصی و عمومی به گونه‌ای «خوداندیش» و «خودسامان‌ده» می‌شوند. در حقیقت رشد فرهنگ و ساز و کارها و نهادهای مطلوب اجتماعی، فرصت‌ها، حقوق و اجبارهای برابری را به نحوی برای همگان به وجود می‌آورد که آزادی و برابری در قلمرو فرد و جامعه امکان تفسیر عملی را پیدا می‌کند.<sup>۱۸</sup> طبیعتاً در تحقق چنین چشم‌انداز مطلوبی، برای افکار عمومی و مطبوعات جایگاه خاصی باید در نظر گرفت.

وجود مطبوعات آزاد و آزادی مطبوعات از جمله آشکارترین و کوتاه‌ترین راه‌های رسیدن به حداقل‌های موردنظر در جامعه مدنی حتی در کشورهای توسعه نیافته است. شواهد نشان می‌دهد که مطبوعات آزاد توانسته‌اند به خلق جامعه‌ای قوی و شهروندانی صاحب حق به خوبی کمک کنند.<sup>۱۹</sup> البته تحقق آزادی مطبوعات علاوه بر مبانی فلسفی و اجتماعی، به حدود حقوقی خاصی نیز نیاز دارد که در صورت ترسیم ابعاد واقعی آنها، ثمربخشی جامعه



اندیشه‌های همین متفکران محدود کرد، اما باید پذیرفت که مجادله درباره مقوله دموکراسی و طرح آن در افکار عمومی به پیدایش مباحث متنوع و گسترده‌ای منجر شده است که از دیدگاه‌های گوناگون در باب حکومت تا مشارکت اجتماعی و سیاسی آحاد مردم را در برمی‌گیرد. نقطه عزیمت نهایی آنها اندیشیدن درباره

معلول اختناق بی‌سروصدای نیمی از آن حقیقت است. در محیطی که مردم فقط مجاز به شنیدن یک جانب - از دو جانب - عقیده‌ای می‌باشند اشتباهات افزایش می‌یابد و به صورت غرض شخصی در می‌آید. براین اساس، «میل» وجود آزادی عقیده و آزادی بیان را برای تأمین سعادت فکری بشر یک ضرورت می‌داند. چه این

مدنی و مؤلفه‌های برآمده از آن را در عمل به اثبات می‌رساند. آزادی حقوقی مطبوعات به‌طور عام «جست‌وجو، جمع‌آوری و کسب آزادانه اخبار و اطلاعات و عقاید عمومی، انتقال و مخایره آزادانه آنها، انتشار آزادانه روزنامه‌ها و پخش آزادانه برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، دریافت و مطالعه آزادانه مطبوعات و دریافت آزادانه برنامه‌های یاد شده است».<sup>۲۰</sup> آزادی مطبوعات امروزه شامل «حق استفاده از اطلاعات» و یا به‌طور وسیع‌تر «حق ارتباط» و الزام دولت‌ها به تأمین آن می‌شود، به این سبب دولت‌ها حتی اگر نتوانند همه شرایط و امکانات مناسب را برای برخورداری افراد از حق ارتباط، تأمین اطلاعات درست و

ماده ۱۱ «اعلامیه حقوق بشر و شهروند» انقلاب کبیر فرانسه که در سال ۱۷۸۹ به تصویب رسید، نخستین قانونی است که انتقال و انتشار آزادانه افکار و عقاید را به عنوان یکی از گرانبهارترین حقوق انسانی اعلام می‌کند و بر آن اساس آزادی گفتار و نگارش و چاپ را برای هر فرد به رسمیت می‌شناسد. این حق که به شکل‌های مختلف در قوانین اساسی بسیاری از کشورها نیز آمده است، در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۴۸ با جزئیات بیشتری بیان شده است: «هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد و این حق مستلزم آن است که کسی از داشتن عقاید خود بیم و نگرانی نداشته باشد و در کسب و دریافت و انتشار

که در ماده‌های ۱۹ و ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز آمده است، اعمال حق آزادی اندیشه و بیان» مستلزم وظایف و مسؤولیت‌های ویژه‌ای است و در نتیجه ممکن است تابع محدودیت‌های معین قانونی در حیطه احترام به حقوق یا حیثیت دیگران، حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت یا اخلاق عمومی، نفی تبلیغ برای جنگ و رد هرگونه دعوت به کینه ملی، نژادی یا دینی محرک تبعیض یا خصومت یا اعمال خشونت باشد.<sup>۲۱</sup>

#### ۴. عوامل اقتصادی، حرفه‌ای و تخصصی مؤثر در شکل‌گیری روزنامه‌نگاری مطلوب

روزنامه‌نگاری مطلوب علاوه بر توجه به مبانی فلسفی و حقوقی، نیازمند وجود سازوکارهای اجتماعی، اقتصادی و حرفه‌ای است که بتواند با تکیه بر استقلال خویش به گسترش حوزه‌های عمومی - آن‌گونه که مورد نظر هابرماس است - بپردازد. مطبوعات آزاد می‌توانند دموکراسی مبتنی بر مشورت و تأمل و نقد را جایگزین مردم‌گرایی متکی بر احساسات کنند و ضرورت علنی شدن امور جامعه را تحقق بخشند. تحقق این گستره، زمانی ممکن است که مطبوعات سیاسی، عقیدتی و انتقادی، جامعه خود را به مطبوعات تجاری، غیرسیاسی و غیرتحلیلی نسپارند. این جابه‌جایی چنان‌که دنیای غرب شاهد آن بوده است عمدتاً با تداخل و ادغام مؤسسات مطبوعاتی در نهادها و بنیادهای اقتصادی صورت می‌پذیرد، از این‌رو وقتی که آزادی مطبوعات تحت‌الشعاع شکل‌گیری و گسترش مؤسسات اقتصادی و عمده شدن عنصر اقتصاد و انحصارهای اقتصادی قرار می‌گیرد از نقش اصلی خود دور می‌شود. در این‌جاست که فقدان یا ضعف نهادهای مدنی عمدتاً بار مسؤولیت‌های اجتماعی را به صورت غیرنهادی شده‌ای به مطبوعات مستقل می‌دهد و نتیجه آن می‌شود که در بسیاری از کشورهای در

■ شواهد نشان می‌دهد که مطبوعات آزاد توانسته‌اند به خلق جامعه‌ای قوی و شهروندانی صاحب حق به خوبی کمک کنند.

■ تحقق آزادی مطبوعات علاوه بر مبانی فلسفی و اجتماعی، به حدود حقوقی خاص نیز نیاز دارد که در صورت ترسیم ابعاد واقعی آنها، ثمربخشی جامعه مدنی و مؤلفه‌های برآمده از آن را در عمل به اثبات می‌رساند.

تسهیل مشارکت عموم در آفرینش‌های فرهنگی به وجود آورند، باید موانع و محدودیت‌های تحقق آزادی مطبوعات را به‌طور خاص مرتفع کنند. آزادی مطبوعات به‌طور خاص «نشر آزاد روزنامه‌ها بدون هیچ‌گونه محدودیت و نظارت قبل از انتشار، عدم توقیف و تعطیل خودسرانه آنها بعد از انتشار، پیش‌بینی ضوابط و مسؤولیت‌های قانونی نشریات و رسیدگی به تخلفات و جرایم احتمالی آنها در دادگاه‌های عادی با حضور هیأت منصفه است».<sup>۲۱</sup> در واقع با رعایت این حق خاص می‌توان به صیانت نظام تعددگرا و متنوع مطبوعاتی در برابر شبکه‌های قدرت و ثروت مداخله‌گر امیدوار بود.

اطلاعات و افکار به تمام وسایل ممکن بیان و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد».<sup>۲۲</sup> طبیعتاً اجرای این ماده پایه‌های جامعه مدنی را قوام می‌بخشد و خود نیز نیازمند وجود رسانه‌های مستقل و آزاد است. از این‌رو حمایت از نهادهای حرفه‌ای و سازمان‌های غیرحکومتی (NGO) فعال برای تأمین آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها و تشویق گردش آزاد اخبار در سطح بین‌المللی و ملی و پخش گسترده‌تر و متوازن‌تر اطلاعات و اخبار بی هیچ‌گونه محدودیتی برای آزادی بیان «آن‌گونه که... در سال ۱۹۸۹ به عنوان راهبردی جهانی در امر اطلاع‌رسانی به تصویب رسانده است» می‌تواند مؤثر باشد. البته همان‌طور

حال توسعه، مطبوعات از جمله نخستین پدیده‌های متأثر از دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به‌شمار می‌آیند. در غیاب تشکلهای صنفی خودانگیخته، روزنامه‌نگاران به شدت در برابر آسیب‌های شغلی و سیاسی بی‌دفاع شده و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در محدودیت کار روزمره و مستمر قرار می‌گیرند.

آموزش‌های روزنامه‌نگاری عمدتاً معطوف به روش‌های تقلیدی و رعایت اصول حرفه‌ای و تجاری است. این درحالی است که آموزش‌های حرفه‌ای و تخصصی به ویژه در وضع آرمانی، نیازمند رویکردهای نو و انتقادی است. در این رویکردها اصولاً باید ارزش‌های نوینی «نظیر استقلال و هویت ملی و آزادی و کرامت انسانی، حقوق بشر، محیط‌زیست، رفاه اجتماعی و بازآفرینی توانمندی‌های فردی و اجتماعی، اخلاق و معنویت»، مبانی کار حرفه‌ای و تخصصی قرار گیرد. تأمین آزادی‌های حرفه‌ای، تضمین امنیت شغلی، وضع موازین و معیارهای اخلاقی، سامان‌دهی تشکلهای و نهادهای صنفی، تعریف و تبیین شرایط و مقتضیات کار روزنامه‌نگاری، تسهیل دسترسی به اطلاعات و پاسداری از حیثیت و حقوق روزنامه‌نگار، تعمیم حاکمیت قانون و... می‌توانند به عنوان شروط لازم در روند شکل‌گیری روزنامه‌نگاری مطلوب موردنظر قرار گیرند.

روی آوردن به مدل مسئولیت حرفه‌ای و تخصص رسانه‌ای همواره به عنوان راهکاری در جهت کسب استقلال، بیان حقیقت و بی‌طرفی مطبوعات شناخته شده است. تخصص‌گرایی و مهارت حرفه‌ای براین اصول استوار است که نخستین وظیفه روزنامه‌نگار، خدمت به مردم است و روزنامه‌نگاران باید به عنوان کانون تعادل نیروها عمل کنند. در حقیقت تخصص‌گرایی حرفه‌ای به مفهوم قبول فلسفه مختار بودن است نه فلسفه کنترل. اما در عین حال مسئولیت‌ها و تعهدهای

حرفه‌ای در خلاء به وجود نمی‌آید. روزنامه‌نگاران در چارچوب ساختارهای خاصی عمل می‌کنند که عملاً اعمال این خودمختاری و استقلال را دشوار می‌کند و تحت تأثیر سازمان‌بندی‌های رسانه‌ای قرار می‌دهد. از سوی دیگر از آنجا که روشن نیست تخصص‌گرایی حرفه‌ای بر چه پایه و اساسی بنا می‌شود، آسیب‌پذیر است. بنابراین نمی‌توان برای تحقق نقش دموکراتیک رسانه‌ها به قبول ایدئولوژی تخصص‌گرایی حرفه‌ای دلخوش بود.<sup>۲۲</sup> روشن است که برای رسیدن به

زندگی اجتماعی بینجامد و به اجرای اصول پایدار ساختاری که مورد نظر کمیسیون فرهنگ و توسعه یونسکو نیز هست کمک کنند. این اصول عبارتند از؛ الف: رسانه‌های ارتباطی باید در محیط رقابت شکوفا شوند.

ب: رقابت باید راه تنوع بیان را هموار کند.

ج: تعادل میان آزادی و تنوع باید به وسیله اصول معینی برقرار شود.

د: تنها در صورت برقراری تعادل بین کارآیی و عدالت و انصاف است که اجرای

■ **آزادی مطبوعات به‌طور خاص «نشر آزاد روزنامه‌ها بدون هیچ‌گونه محدودیت و نظارت قبل از انتشار، عدم توقیف و تعطیل خودسرانه آنها بعد از انتشار، پیش‌بینی ضوابط و مسؤلیت‌های قانونی نشریات و رسیدگی به تخلفات و جرایم احتمالی آنها در دادگاه‌های عادی با حضور هیأت منصفه است.»**

■ **ماده ۱۱ «اعلامیه حقوق بشر و شهروند» انقلاب کبیر فرانسه که در سال ۱۷۸۹ به تصویب رسید، نخستین قانونی است که انتقال و انتشار آزادانه افکار و عقاید را به عنوان یکی از گرانبهارترین حقوق انسانی اعلام می‌کند.**

■ **روزنامه‌نگاری مطلوب علاوه بر توجه به مبانی فلسفی و حقوقی، نیازمند وجود سازوکارهای اجتماعی، اقتصادی و حرفه‌ای است.**

■ **مطبوعات آزاد می‌توانند دموکراسی مبتنی بر مشورت و تأمل و نقد را جایگزین مردم‌گرایی متکی بر احساسات کنند و ضرورت علنی شدن امور جامعه را تحقق بخشند.**

وضیعتی مطلوب در کار مطبوعاتی، نمی‌توان تخصص‌گرایی حرفه‌ای را هدف قرار داد، چنان‌که توسعه فن‌آوری ارتباطی نیز با همه شگفتی‌ها و فریبندگی‌ها تنها ابزاری برای گسترش و تعمیق ارتباطات بشری است. ارتباطات در همه اشکال آن اساس توسعه انسان‌مدار است، لذا نهادها، ساز و کارها و روش‌های حرفه‌ای و تخصصی نیز نهایتاً باید بتوانند به سازمان‌دهی توانمندی‌های گسترده جامعه در جهت حمایت از تنوع فرهنگی، خلاقیت و مشارکت همه جانبه همگان در

ماندگار اصول پیشین ممکن می‌شود.<sup>۲۵</sup>

۵. **روزنامه‌نگاری مطلوب در ایران؛ مقتضیات، چالش‌ها و چشم‌اندازها**

بررسی تاریخ ۱۶۰ساله روزنامه‌نگاری در ایران نشان می‌دهد که مطبوعات در فراز و نشیب‌های تحولات گوناگون اجتماعی و سیاسی از آسیب‌پذیری‌های فراوانی رنج برده‌اند. مطبوعات از سویی در مقاطع حساس دارای نقش‌های اجتماعی مؤثری بوده‌اند و از سوی دیگر نتوانسته‌اند این نقش‌ها و



کارکردها را پیوستگی و دوام بخشند. شاید دلیل این امر وجود برخی عوامل و وجوه توسعه‌ای باشد که عمدتاً برون رسانه‌ای هستند و به سبب نهادی نشدن، بازگشت‌پذیر بوده‌اند. ساختار و نحوه توزیع قدرت در جامعه، وضع جامعه مدنی و مقوله‌هایی نظیر قانون‌گرایی و آزادی از این جمله هستند. در حقیقت نوعی پیوند‌گزینی میان عوامل اجتماعی و توسعه کمی و کیفی مطبوعات در ایران وجود داشته است که براساس تشابه منطق ساختاری دو مقوله یا دو مؤلفه مشخص در فرایند تحولات اجتماعی عمل می‌کند. به این ترتیب

معمولاً جانب تحول و ارتباط متقابل را می‌گیرند لذا به آسانی در جوامع توسعه نیافته محل نظم‌های سنتی تلقی شده و با مقاومت‌های گوناگون فرهنگی و اجتماعی مواجه می‌شوند. علاوه بر این شکل‌نگرفتن نهادهای سیاسی و اجتماعی نظیر احزاب، سندیکاها، انجمن‌ها و گروه‌های داوطلبانه و نیز از میان رفتن آمرانه و اجباری نهادها و مناسبات عرفی و سنتی باعث شده است که مطبوعات حتی در شکل‌ها و قالب‌های غیرسیاسی خود به آسانی سیاسی شده و یا سیاسی انگاشته شوند و به تبع آن قدرت آنها تابعی از وضعیت توسعه سیاسی در جامعه باشد.

مطبوعات کمتر توانسته‌اند به گسترش و تعمیق دامنه‌های مشارکت و رقابت در جامعه به طور جدی بپردازند.

پیروزی انقلاب اسلامی سرفصل جدیدی را در تاریخ مطبوعات کشور ما گشود و این فصل نو را با تجربه‌های گراتقدیری از روزنامه‌نگاری بومی همراه کرد. ایفای نقشی مؤثر در انتخابات دور هفتم ریاست‌جمهوری که از سوی مطبوعات کشور ما به منصف ظهور رسید، بدون تردید در تاریخ رقابت میان رسانه‌های کوچک و بزرگ بی‌سابقه بود. در این مرحله به تناسب پیگیری عمده‌ترین برنامه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دولت جدید که بر توسعه سیاسی و گسترش حوزه آزادی‌های مشروع، قانون‌گرایی و فرهنگ گفت‌وگو و استقرار جامعه مدنی متمرکز بوده است، مطبوعات به یکی از نقاط اصلی توجهات جامعه تبدیل شده‌اند.<sup>۲۶</sup>

به نظر می‌رسد که سه اصل مهم نظام مطبوعاتی آزادی‌گرا که بر آزادی مطبوعات و اطلاعات، استقلال مطبوعاتی و بی‌طرفی روزنامه‌نگاران و کثرت‌گرایی مطبوعات تأکید دارد<sup>۲۷</sup> با شتاب و تلاش شایسته‌ای نظر سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان فرهنگی کشور را به خود جلب کرده است. آمار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نشانگر تنوع و توزیع فزاینده مطبوعات در سطح کشور و حوزه‌های مختلف علایق اجتماعی است.<sup>۲۸</sup>

این شرایط را علی‌رغم دشواری‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی و اجتماعی می‌توان از جمله موقعیت‌های ارزنده برای ارتقای سطح قابلیت‌ها و توانمندی‌های مطبوعاتی کشور دانست. نظام مطلوب مطبوعاتی که بتواند پاسخگویی تحرک اجتماعی و افزایش سطح رقابت‌ها و مشارکت‌های جامعه و قوام و استقرار جامعه مدنی باشد نظامی است قانونمند و سامان یافته که می‌تواند دربرگیرنده عناصر ذیل باشد:

■ در غیاب تشکل‌های صنفی خودانگیزخته، روزنامه‌نگاران به شدت در برابر آسیب‌های شغلی و سیاسی بی‌دفاع شده و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در محدودیت کار روزمره و مستمر قرار می‌گیرند.

■ روی آوردن به مدل مسؤولیت حرفه‌ای و تخصص رسانه‌ای همواره به عنوان راهکاری در جهت کسب استقلال، بیان حقیقت و بی‌طرفی مطبوعات شناخته شده است.

■ بررسی تاریخ ۱۶۰ساله روزنامه‌نگاری در ایران نشان می‌دهد که مطبوعات در فراز و نشیب‌های تحولات گوناگون اجتماعی و سیاسی از آسیب‌پذیری‌های فراوانی رنج برده‌اند.

تمایل درونی مطبوعات به عنوان نهادهای نو تمدنی نوعاً به سوی کثرت‌گرایی در قدرت و تنوع در جامعه است، این گرایش نیز با ساختارهای سیاسی خودکامه که به سوی بسته بودن جامعه و انحصار قدرت میل می‌کنند در تعارض است. این کشمکش درونی میان توسعه ارتباطات و توسعه نیافتگی سیاسی به ویژه در غیاب قدرت‌های همسنگ اجتماعی و نهادهای قدرتمند موجب شده است که در مراحل طولانی از تاریخ تحول مطبوعات جوهر اصلی و شرط اساسی توسعه روزنامه‌نگاری یعنی آزادی در هاله‌ای از ابهام باقی بماند. چنین است که همواره تصویر آزادی مطبوعات کدر و نامشخص بوده است و بر همان مینا

هرجا نظام اجتماعی خودکامه و جامعه مدنی ضعیف است، مطبوعات از نرخ بهره‌مندی سرانه کمتر، محتوایی غیرسیاسی، زبان غیرانتقادی و سطح زبان حرفه‌ای و آسیب‌پذیری مستمر اقتصادی و حقوقی برخوردار هستند. درحالی که به هنگام توسعه یافتگی نظام سیاسی، تحرک اجتماعی و قوت جامعه مدنی، مطبوعات از توسعه یافتگی بیشتری بهره‌مندند. از آنجا که مطبوعات محصول تمدن جدید هستند و جوهر این تمدن، آزادی و مردم‌سالاری است، لذا باید امکان‌ها و امتناع‌های فلسفی، حقوقی و اجتماعی متفاوتی را که در جوامع غربی و جامعه ما به همراه دارند به خوبی بازشناخت. در واقع مطبوعات چون

## ■ پیروزی انقلاب اسلامی سرفصل جدیدی را در تاریخ مطبوعات کشور ما گشود و این فصل نو را با تجربه‌های گرانقدری از روزنامه‌نگاری بومی همراه کرد.

## ■ ایفای نقشی مؤثر در انتخابات دور هفتم ریاست‌جمهوری که از سوی مطبوعات کشور ما به منصفه ظهور رسید، بدون تردید در تاریخ رقابت میان رسانه‌های کوچک و بزرگ بی‌سابقه بود.

۱. تنوع و چند صدایی بودن رسانه‌ها؛
۲. دفاع از حقوق مطبوعات در کنار توجه به حدود آنها، اصل قرار دادن آزادی مطبوعات و استثنا دانستن حدود آن؛
۳. اهتمام به تحقق آزادی‌های مطبوعاتی مصرح در قانون اساسی و رفع موانع اجرایی و حقوقی اجرای آنها؛
۴. حمایت از رشد و توسعه مطبوعات مستقل و غیردولتی؛
۵. به رسمیت شناختن نقش نظارتی مطبوعات و فراهم کردن محیط قانونی مناسب برای ابراز عقیده و طرح انتقاد؛
۶. توجه به نیازهای گوناگون فرهنگی و اجتماعی مخاطبان؛
۷. پرهیز از داوری‌های مبتنی بر سلیقه و تأکید بر رعایت اصل تنوع و کثرت در چارچوب قانون اساسی و قوانین موضوعه کشور و رسیدگی به جرایم مطبوعاتی در محاکم علنی دادگستری؛
۸. تقویت فرهنگ گفت‌وگو و برخورد اندیشه‌ها و حمایت از هم‌اوردی فکری در برابر اندیشه‌ها و سلايق غير مجرمانه؛
۹. طراحی نظام قانونی مطبوعاتی پاسخگو به نیازهای جامعه کنونی؛
۱۰. تقویت نهادهای صنفی و پشتیبانی از حقوق صنفی و حرفه‌ای روزنامه‌نگاران؛
۱۱. کمک به استقلال اقتصادی مطبوعات؛
۱۲. تسهیل روند کسب اطلاعات و دسترسی روزنامه‌نگاران به منابع خبری؛
۱۳. تقویت آموزش‌های علمی و حرفه‌ای خبرنگاری؛

۱۴. نهادی و پایدار کردن آزادی مطبوعات و مقابله با سوءاستفاده از فضای آزاد مطبوعاتی
۱۵. گسترش و تعمیق فرهنگ نقد و شفافیت در سطح مختلف جامعه. □

### پی‌نویس‌ها:

۱. رضایی، علی. ظهور و تکامل جامعه مدنی در کتاب جامعه مدنی و ایران امروز، جمعی از نویسندگان، تهران، نقش‌ونگار، ۱۳۷۷، صص ۸-۱۱.
۲. همان.
۳. سعید، اودارد. نقش روشنفکر، ترجمه و پیشگفتار: دکتر حمید عضدانلو، تهران: انتشارات آموزش، ۱۳۷۰، صص ۲۵-۳۱.
۴. همان.
۵. خانیکی، هادی. عوامل اجتماعی توسعه نیافتگی مطبوعات ایران (با تأکید بر دو دوره پراکندگی و تمرکز قدرت سیاسی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی، سال تحصیلی ۱۳۷۴-۱۳۷۳، صص ۳۸-۳۹.
6. Bobio, Norberto. Democracy and Dictatorship, London Polity Press, 1989. P. 24.
۷. معتمدزاد، دکتر کاظم. روزنامه‌نگاری با فصلی جدید در بازنگری روزنامه‌نگاری معاصر (با همکاری دکتر ابوالقاسم منصفی ۱، چاپ سوم، تهران، نشر سپهر، ۱۳۶۸، صص ۴۶۳-۴۵۶).
۸. خاتمی، سیدمحمد. از دنیای «شهر» تا شهر «دنیای»، تهرانی، شرفی، ۱۳۷۳، صص ۲۴۰-۲۳۸.
۹. همان.
۱۰. لاک، جان. نامه‌ای در باب تساهل، ترجمه شیرزاد گلشاهی کریم، نشر نی، ۱۳۷۷، صص ۴۴ و ۴۵.
۱۱. خاتمی، سیدمحمد. منبع پیشین، صص ۲۵۹.
۱۲. لاسکی، هارولد. جی. سیر آزادی در اروپا، ترجمه رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای، تهران، حبیبی، صص ۲۳۲-۲۲۶.
۱۳. همان.

۱۴. راسل، برتراند. تاریخ فلسفه غرب، جلد ۲، ترجمه نجف دریابندری، نشر پرواز، ۱۳۶۵، صص ۹۴۴.

۱۵. روسو، ژان ژاک، قرارداد اجتماعی، ترجمه غلامحسین زیرک‌زاده، تهران، ادیب، ۱۳۶۷، صص ۵۰.

۱۶. میل، جان استوارت، تاملاتی در حکومت انتخابی، ترجمه علی رامین، تهران، نشر نی، ۱۳۶۹، صص ۱۵ و ۱۶.

۱۷. میل، جان استوارت. رساله درباره آزادی. ترجمه شیخ‌الاسلامی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳، صص ۱۴۵-۱۳۸.

۱۸. هله، دیوید. مدل‌های دموکراسی، ترجمه عباس مخبر، تهران، روشنگران، ۱۳۶۹، صص ۴۱۵-۴۰۷.

19. Vnger, Stanford j, Democracy and the Mass Media, eds: Judith lichtenberg. Cambridge University Press, 1995, pp.368-398.

۲۰. معتمدزاد، دکتر کاظم، مبانی حقوقی آزادی مطبوعات، بررسی تطبیقی مقررات تأسیس و انتشار روزنامه در ایران و چند کشور دیگر جهان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۷، صص ۱۷-۱۵.

۲۱. همان.

۲۲. جانسون، گلن. اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران، نشر نی، ۱۳۷۷، صص ۱۱۴.

۲۳. لوین، لیا، پرسش و پاسخ درباره حقوق بشر، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۷، صص ۱۷۰-۱۶۷.

24. Curran, James "Mass Media and Democracy, A Reappraisal" Mass Media and Society (eds). James Curran and Micheal Gurevitch, London, Edward Arnol, 1991, pp. 98-100.

۲۵. دکوتیرا، خاویر پرز. تنوع خلاق ما، گزارش کمیسیون جهانی فرهنگ و توسعه، گروه مترجمان، تهران، کمیسیون ملی یونسکو، ۱۳۷۷، صص ۱۲۳-۱۲۲.

۲۶. خانیکی، هادی. رسانه‌های کوچک و تحول بزرگ، مجموعه مقالات دومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران، جلد دوم، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۷، صص ۸۷۷-۸۵۸.

۲۷. معتمدزاد، دکتر کاظم. بررسی شرایط پیشرفت نشریات مستقل و کثرت‌گرا، منبع پیشین، صص ۶۶-۱۵.

۲۸. گزارشی در مورد وضع موجود مطبوعات ایران، مباحث اساسی در حوزه مطبوعات و الگوی نظام مطبوعاتی معاونت امور مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مهر ۱۳۷۷، صص ۶-۴.